

معرفی و نقد سفرنامه ناصری

سید علی هاشمی عرقلو*

سفرنامه ناصری، ناصرالسلطنه میرزا نصرالله طباطبائی
دیا، تحقیق و تصحیح رسول جعفریان، کتابخانه، موزه و
مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰، ۳۷۵
صفحه.

مقدمه

یکی از گونه‌های مهم در میان آثار نویسندگان، سفرنامه‌ها هستند. سفرنامه‌ها گزارش‌هایی‌اند که به دست جهانگردان نگاشته می‌شوند و حاصل مشاهدات و جستجوهای نویسندگانشان هستند. در هر سفرنامه، اطلاعات و آگاهی‌های فراوان و اغلب مهم درباره شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... کشورها و شهرهای مختلف به دست می‌آید. در ایران، با وجود آن که پس از اسلام، افرادی، خصوصاً نویسندگان کتاب‌های جغرافیایی، به ثبت دیدگاه‌های خود از مناطق مختلف به زبان عربی پرداختند، اما می‌توان گفت که «ناصر خسرو» پیشگام سفرنامه‌نویسی به زبان فارسی بوده است. پس از آن، دو دوره مهم سفرنامه‌نویسی در ایران وجود دارد که یکی عصر صفویه است و دیگری عصر حکومت قاجاریه.

سفرنامه‌های دوره قاجاری هر چند دربرگیرنده شرح سفرهای نویسندگانشان به نقاط مختلف ایران و جهان است، اما در این میان به دو مقصد بیش از همه توجه شده است: نخست عربستان و دیگر فرنگ، بخش زیادی از سفرنامه‌هایی که در این دوره نوشته شده‌اند، حاوی شرح مسافرت نویسندگانشان به سفر حج است و گزارشی از وقایع مختلف این سفر و راه‌های حرکت به سمت مکه را دربردارد. همچنین افزایش ارتباطات میان دولت قاجار و کشورهای اروپایی باعث حضور بیشتر اروپاییان در ایران و سپس مسافرت ایرانیان به اروپا شد. به همین خاطر سفرنامه‌های متعددی از دوره قاجار به یادگار مانده که شرح سفرهای نویسندگان این آثار به کشورهای اروپایی است.

سفرنامه ناصری یکی از ده‌ها سفرنامه‌ای است که به دست یکی از وابستگان حکومت قاجاری نوشته شده است. این سفرنامه که حاوی نکات جالب و خواندنی‌ای از سیر و سیاحت نویسنده‌اش است توسط میرزا نصرالله طباطبائی دیا - ناصرالسلطنه - به رشته تحریر درآمده است.

میرزا نصرالله ناصرالسلطنه متولد ۱۲۸۱ هجری قمری از کارگزاران دولت قاجاری و وزیر خالصه‌جات و زراعت مظفرالدین شاه است. وی در سال ۱۳۱۷-۱۳۱۸ عزیمت حج کرد و سفرنامه‌اش را نگاشت.

بررسی متن سفرنامه ناصری

سفرنامه ارزشمند ناصرالسلطنه که با تحقیق و تصحیح جناب آقای رسول جعفریان منتشر شده است، از جمله سفرنامه‌های باارزش و درخور اعتنای دوره قاجاری است. مؤلف مانند برخی دیگر از رجال قاجاری، در پی انفصال از خدمت و مغضوب شدن که ترس از کشته شدن هم در آن وجود داشته، عزیمت حج کرده است.

(ناصرالسلطنه، سفرنامه ناصری: ۱۰)

او در مسیر این سفر پُر فراز و نشیب، به ثبت و نگارش خاطرات و اتفاقات می‌پردازد و اطلاعات زیادی را از مسیر سفر و حال و اوضاع شهرهای میان راه به خواننده عرضه می‌کند. ناصرالسلطنه پس از پایان مناسک حج، پیامی را از مظفرالدین شاه دریافت می‌کند که این پیام حاوی دستور شاه برای سفر او به اروپا است. بدین ترتیب بخش جدیدی بر سفرنامه ناصرالسلطنه اضافه می‌شود. گرد آمدن سفرنامه مکه و سفرنامه اروپا در یک کتاب، یکی از ویژگی‌هایی این اثر است که همزمان دو گونه از سفرنامه‌های عهد قاجاری را در خود دارد.

سفرنامه ناصری علاوه بر ویژگی ذکر شده، دارای خصوصیات دیگری است که در ادامه به شرح و توضیح مختصر

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز.



آن‌ها می‌پردازیم. ویژگی مهم این کتاب شرح دقیق جزئیات و توصیف کامل شهرها و مسیرهایی است که نویسنده از آن‌ها عبور کرده است. او در جای‌جای سفرنامه خود به بررسی و ذکر ویژگی‌های راه‌هایی که از آن‌ها عبور کرده می‌پردازد. ناصرالسلطنه تقریباً در تمام شهرهایی که وارد می‌شود، علی‌الخصوص در شهرهای بین راه مکه، به ذکر تاریخچه‌ای از شهر می‌پردازد. نکته مهم در توصیفات او این است که بسیار به جزئیات اهمیت می‌دهد. البته توصیفات نویسنده از حال و اوضاع شهرها و مناطق محدود به جنبه‌های مادی نیست و او در جای‌جای نوشته‌هایش به خوی و خصلت و عادات مردم نقاط مختلف می‌پردازد؛ نمونه‌های این مطلب به‌خصوص در وصف رفتار بدویان عربستان دیده می‌شود.

شرح خوشگذرانی‌ها و تفریحاتی که ناصرالسلطنه در شهرهای مختلف، به‌ویژه در شهرهای اروپایی و در رکاب شاهنشاهی، داشته است، از دیگر بخش‌های این سفرنامه است.^۱ مطلب جالب درباره ناصرالسلطنه و وضع و حالش در لابه‌لای مطالب سفرنامه، خصوصاً در مسیر رفتن به سفر حج، آنجاست که او فراوان به شکایت از مسیر حرکت، مردمان شهرهای واقع در سر راه و امکانات مسافرت می‌پردازد.

گذشته از مطالبی که پیش از این ذکر شد، بعضی توضیحات جالب و دقیق ناصرالسلطنه، از مزایا و ویژگی‌های این سفرنامه محسوب می‌شود. نویسنده در توصیف بعضی مراسم‌ها نظیر مراسم نذر بکتاشی‌ها^۲ و توصیف ساختمان‌هایی که بازدید کرده است؛ نظیر اهرام مصر^۳ از بیان جزئیات فروگذار نکرده است. همچنین از نکات جالب موجود در این سفرنامه بعضی پیش‌گویی‌های نویسنده درباره زوال دولت عثمانی،^۴ ایجاد رقابت نظامی در عرصه آسمان^۵ و وقوع جنگ جهانی^۶ است.

تا این بخش از مقاله به محتوای سفرنامه ناصرالسلطنه پرداختیم، اما بد نیست کمی هم به ظرف این مظهر توجه کنیم. در این بررسی ابتدا باید نگاهی بیندازیم به کلمات به کار رفته در سفرنامه ناصرالسلطنه و سپس به اختصار درباره نثر ناصرالسلطنه نکاتی را یادآور شویم. کلمات معمول زبان ناصرالسلطنه از نوع

کلمات رایج در دوره قاجار است. او در نگارش جمله‌ها سعی نکرده است که از عبارات و کلمات مغلق و پیچیده استفاده کند، به‌همین خاطر نثر کتاب، به لحاظ استفاده از واژگان، نثری ساده و روان است. مؤلف در استفاده از کلمات ساده گاه آن قدر دچار افراط می‌شود که به نوعی از سستی و عوام‌زدگی دچار می‌شود؛ مثلاً کلمه «بیرق» را همواره به صورت «بیدق» می‌آورد.^۷ علاوه بر این، بسامد واژگان فرنگی، اعم از انگلیسی و فرانسوی و...، در سفرنامه ناصرالسلطنه فراوان است؛ البته گویا نه نویسنده سفرنامه و نه مصحح محترم، هیچ‌یک نتوانسته‌اند ضبط دقیق و یکدستی را از این واژه‌ها ارائه کنند؛ مثلاً کلمه واحدی به صورت ایستانیان، استانسا، ایستانسیا، آستانسای، آستانسان و ایستانسا آمده است.^۸

علی‌رغم همه محاسن و نیکویی‌هایی که سفرنامه ناصرالسلطنه در اشمال بر دقایق خاطرات و بازدیدهای ناصرالسلطنه دارد و با وجود سادگی الفاظ و عبارات، جمله‌بندی‌های این کتاب به طرز آزاردهنده‌ای آشفته و سست است. بخشی از این جمله‌بندی‌های ضعیف ناشی از حذف‌های بیجا و غلط افعال یا درست رعایت نکردن زمان و اشخاص افعال است. نمونه‌ای از این جملات:

خلاصه کالسکه تازه، و درهای او را بسته، برودت هوا صدمه نمی‌زد. (همان: ۶۱)

بررسی و نقد تصحیح کتاب

تا اینجای بحث، بیشتر درباره مؤلف سفرنامه ناصرالسلطنه و ویژگی‌های متن این اثر صحبت کردیم، اما در معرفی و نقد یک کتاب مصحح، نمی‌توان فقط به متن کتاب بسنده کرد و به عملکرد مصحح نپرداخت. البته تبحر و آگاهی مصحح کتاب در حوزه مطالعات تاریخی و چاپ نسخه‌های خطی، به‌ویژه سفرنامه‌های حج دوره قاجاری، بر کسی پوشیده نیست و نیاز به شرح و بازگویی مجدد ندارد اما بر تصحیح این کتاب نکات و اشکالات چندی وارد است که در ادامه مباحث به آن‌ها می‌پردازیم.

۱. نک: همان: ۲۶۶ و ۲۶۷، ۲۶۹ و ۲۷۰، ۲۸۰.
۲. سفرنامه ناصرالسلطنه: ۱۱۶.
۳. همان: ۱۱۰ و ۱۱۱.
۴. همان: ۷۹.
۵. همان: ۲۴۴.
۶. همان: ۲۸۱.
۷. نک: همان: ۸۰؛ ۲۵۶؛ ۳۰۶ و... جالب آن است که مصحح محترم در برخورد با این کلمه هیچ توضیحی درباره صورت درست آن نمی‌دهد.
۸. برای دیدن نمونه‌هایی از صورت‌های مختلف این کلمه نک: همان: ۱۰۲، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۵۰ و ۳۰۵.



بخش اول از بررسی نحوه کار مصحح سفرنامه ناصری را به مقدمه این کتاب اختصاص می‌دهیم. مقدمه‌ای که جناب جعفریان بر این اثر نوشته‌اند به طور کلی از دو بخش تشکیل شده است: بخش مختصری درباره معرفی و زندگی‌نامه ناصرالسلطنه و بخش مطولی در ارائه خلاصه اثر. حال باید دید که نویسنده چه آگاهی تازه‌ای را توانسته در این دو بخش ارائه دهد. درباره سؤال نخست باید پاسخ داد که متأسفانه مصحح محترم اطلاعات تازه‌ای را، درباره زندگی ناصرالسلطنه ارائه نمی‌کند. بخش دیگر این مقدمه هم که در بردارنده خلاصه متن کتاب است، آگاهی جدیدی را به خواننده ارائه نمی‌دهد. زیرا که متن کتاب به گونه‌ای است که با وجود بعضی سستی‌ها در جملات، برای خوانندگان قابل فهم است. از سوی دیگر جای بعضی مطالب در این مقدمه خالی است که در صورت پرداختن به آن‌ها از سوی مصحح، مقدمه جامع‌تر و مفیدتری حاصل می‌آمد. از جمله این مطالب یکی بحث معرفی نسخه اثر است. همچنین با توجه به بعضی کاربردهای واژگانی و نوع نثر ناصرالسلطنه، بهتر بود که مصحح کمی هم درباره ویژگی‌های نثر نویسنده سفرنامه بحث و بررسی می‌کردند.

پس از مقدمه نوبت به متن سفرنامه می‌رسد. متأسفانه با وجود تلاش فراوانی که مصحح محترم در ارائه متنی پاک و منقح کرده‌اند، در مواردی دچار لغزش در خوانش کلمات شده‌اند؛ مثلاً ایشان در جایی، کلمه‌ای را به صورت «فرعون کلی» (همان: ۱۹۵) ضبط کرده‌اند که صورت درست آن باید «فرعون گلی» باشد که به ترکی به معنی دریاچه فرعون است. از سوی دیگر، وجود غلط‌های تایپی و مطبعی فراوان یکی از ویژگی‌های کتاب حاضر است که خواننده را در موارد متعدد دچار مشکل می‌کند.

از دیگر مشکلات متن سفرنامه وجود ضبط‌های غلط از اعلام و همین‌طور وجود گونه‌های متعدد از ضبط یک کلمه واحد در متن است که خواننده را در تشخیص صورت درست از غلط، سردرگم می‌کند. برای مورد اول یک نمونه کلمه «آذر» است که برای نام عمومی حضرت ابراهیم^(ع) آمده است (همان: ۲۰۷)؛ این در حالی است که ضبط صحیح نام عمومی حضرت ابراهیم^(ع) به صورت «آزر» است. درباره وجود ضبط‌های مختلف

از کلمه واحد هم در بحث‌های قبلی نمونه‌هایی ذکر شد. پیروی نکردن از شیوه نگارشی و ویرایشی خاص و مشخص از دیگر نقاط ضعف کار مصحح این اثر است. این مطلب در شکل‌های گوناگون در متن کتاب، چه در مقدمه و چه در متن سفرنامه، دیده می‌شود و خواننده را دچار مشکل می‌کند. از جمله این مشکلات، بعضی بی‌دقتی‌ها و سهل‌انگاری‌ها در جدانویسی و پیوسته‌نویسی کلمات است؛ مثلاً مصحح محترم کلمه «نیمکت» را همواره به صورت «نیم‌کت» آورده است. همچنین کلمه‌ای را، آن هم در یک صفحه واحد، به سه شکل مختلف، از لحاظ پیوستگی و جدایی، آورده است: شمن دوفر، شمندوفر و شمن دو فر.^۹ از دیگر اشتباهات ویرایشی متن سفرنامه بعضی کاربردهای اشتباه علائم سجاوندی است. بخش اصلی این اشتباهات در کاربرد علامت قلاب است. گویا مصحح محترم علامت قلاب را محمل مناسبی برای نگارش یادداشت‌ها و تعلیقات متن می‌دانسته است، به طوری که گاه معنی کلمات را در این قلاب‌ها آورده است^{۱۰} و گاه ضبط انگلیسی و ترکی کلمات را در آن‌ها ذکر کرده است.^{۱۱} همچنین در جاهای مختلفی از متن کتاب، یادداشت‌هایی داخل علامت پرانتز قرار گرفته‌اند که مشخص نیست به قلم نویسنده کتاب هستند یا از افزوده‌های مصحح و این نکته‌ای است که در مقدمه به آن اشاره نشده است. همچنین استفاده از علامت ویرگول و نقطه‌گذاری‌های متن، گاهی دچار مشکل و اشتباه است: «او را به زمین کعبه، فرود آوردند» (همان: ۱۵۹)، نیز: «ابداً از این معطلی راه خسته نشدم و می‌خواندم. که در آن مملکت ...» (همان، ۶۰).

نکته پایانی که باید بر این مقاله بیفزاییم، بحث یادداشت‌ها و تعلیقه‌هایی است که مصحح محترم می‌توانست در انتهای متن بیفزاید ولی این کار را انجام نداده است.

منبع:

- ناصرالسلطنه میرزا نصرالله طباطبائی دیبا، سفرنامه ناصری، تحقیق و تصحیح رسول جعفریان، چاپ اول، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران: ۱۳۹۰.

۹. برای دیدن نمونه‌هایی از صورت‌های مختلف این کلمه نک: ۲۲۶.

۱۱. نک: همان: ۸۰، ۸۱، ۲۴۸ و ۲۵۵.

۱۰. نک: سفرنامه ناصری: ۷۸، ۷۹ و ۱۸۷.

